



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Velayet-e-Faqih in Jurisprudence and Law with Emphasis on the Words of Sheikh Tusi

Seyyedeh Marziyeh Davar Panah¹, Seyyed Mohsen Razmi^{*2},  Mostafa Rajaeipour³

Received:

15 Mar 2021

Revised:

31 May 2021

Accepted:

08 Jun 2021

Available Online:

01 Jul 2021

Abstract

Background and Aim: Velayat-e-Faqih has a long history in Shiite jurisprudential, theological and ideological texts. The purpose of this research is to analyze this position and its powers in the words of Sheikh Tusi and the Constitution of the Islamic Republic of Iran.

Materials and Methods: This study is of descriptive - analytical one.

Ethical Considerations: Authenticity of the texts, honesty has been observed in this study.

Findings: According to Sheikh Tusi, judging is one of the positions of the Infallible Imam as well as the jurists chosen by him. In the absence of the Imam, the jurists can receive khums, zakat, and zakat al-fitr. He can also lead the congregation of Eid prayers and Friday prayers. And of course, according to the social and political conditions of the time of Sheikh Tusi, many of the powers of the jurist had limited by Taqiyya. In the constitution, there are some principles referring to the powers of Velayat-e-Faqih, which have been regulated according to Imam Khomeini's views, and in the revisions that took place in it, the powers of the leadership have been added.

Conclusion: Velayat-e-Faqih has wide authority in the opinion of first-range Shiite jurists, including Sheikh Tusi, as well as the principles of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, which is based on Islamic texts and jurisprudence.

Keywords:

Jurisprudence,
Law,
Constitution,
Velayat-e-Faqih,
Sheikh Tusi.

¹ PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

^{2*} Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)

Email: razmi0109@mshdiau.ac.ir Phone: +989155003695

³ Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Please Cite This Article As: Davar Panah, SM; Razmi, SM & Rajaeipour, M (2021). "Velayet-e-Faqih in Jurisprudence and Law with Emphasis on the Words of Sheikh Tusi". *Interdisciplinary Legal Research*, 2 (2): 1-13.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی
(صفحات ۱۳-۱)

گستره‌ی ولایت در فقه و حقوق با تأکید بر کلام شیخ طوسی

سیده مرضیه داورپناه^۱، سید محسن رزمی^۲، مصطفی رجایی‌پور^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: razmi0109@mshdiau.ac.ir

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ ویرایش: ۱۴۰۰/۳/۱۰ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۱۸ انتشار: ۱۴۰۰/۴/۱۰

چکیده

زمینه و هدف: ولایت فقیه پیشینه‌ای طولانی در متون فقهی و کلامی و عقیدتی تشیع دارد. تحلیل این جایگاه و اختیارات آن در کلام شیخ طوسی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از اهداف این تحقیق است.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است.

ملاحظات اخلاقی: در این تحقیق، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: عقیده شیخ طوسی قضاوت از جمله مناصب امام معصوم و همچنین فقهایی که از طرف معصوم برگزیده شده‌اند است. فقیه در غیاب معصوم می‌تواند، خمس و زکات و زکات فطره را دریافت کند، همچنین می‌تواند، امامت جماعت نماز عیدین و جمعه را بر عهده داشته باشد و البته با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی زمان شیخ طوسی بسیاری از اختیارات فقیه به صورت تقيه محدود شده است. در قانون اساسی اصل‌هایی به اختیارات ولایت فقیه اشاره دارد که با توجه به دیدگاه امام خمینی (ره) تنظیم شده و در بازنگری‌هایی که در آن به وجود آمد، بر اختیارات رهبری افزوده شده است.

نتیجه‌گیری: ولایت فقیه در اندیشه فقهای طراز اول تشیع از جمله شیخ طوسی و نیز اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که براساس متون و فقه اسلامی نگارش یافته است دارای اختیارات گسترده‌ای می‌باشد.

کلمات کلیدی: فقه، حقوق، قانون اساسی، ولایت فقیه، شیخ طوسی.

اشتفاق یافته است. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۵۳۳) در لغت عرب هم به معنای آمدن چیزی است در پی چیزی دیگر، بدون آنکه فاصله‌ای در میان آن دو باشد که لازمه چنین ترتیبی، قرب و نزدیکی آن دو به یکدیگر است.

این واژه با شکل‌های مختلف (به فتح و کسر) در معانی محبت، حب و دوستی، نصرت و یاری، سلطان، متابعت و بیروی و سربرستی استعمال شده و از آنجا که ریشه اصلی واژه با همان معنای لغوی به نوعی در همه این معانی دیده می‌شود، نمی‌توان معانی شمرده شده بالا را از سخن مشترک لفظی دانست. (ابن منظور، ۱۴۱۹: ۴۰۲)

واژه ولایت در بحث ولایت فقیه به معنای سربرستی است و در این معنا، ولایت شامل ولایت تکوینی و تشریعی می‌شود. ولایت تشریعی نیز خود به دو بخش ولایت بر محجوران و ولایت بر جامعه خردمندان تقسیم می‌شود. ولایت فقیه نیز ولایت مدیریتی بر جامعه اسلامی است که به منظور اجرای احکام و تحقق ارزش‌های دینی و شکوفا ساختن استعدادهای افراد جامعه و رساندن آنان به کمال و تعالی در خور خویش صورت می‌گیرد. (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱۲۹)

به تعبیر، دیگر منظور از ولایت در ولایت مطلقه فقیه، ولایت تدبیری و تنظیمی است که وجود آن برای جلوگیری از هرج و مرج در جامعه ضروری است.

۲-۲- مطلق و مطلقه

مطلق و مطلقه به چند معنا به کار می‌رود. مطلق به معنای کل گرایانه و فراگیر و تمامت خواه که مفهوم توتالیتیریانیسم از آن دریافت می‌شود؛ مطلق به معنای آزاد و رها از هر قید و بند و فارغ از هر حد و حدودی و رأی قانون و مسؤولیت نداشتن در برابر گفتار و رفتار. مطلق در مقابل مقید و محدود که مقصود از اطلاق، گسترش دامنه ولایت فقیه و شمول مسؤولیت است که برای تأمین مصالح و تضمین عدالت، همه ابعاد مصالح مردمی را فرا می‌گیرد. فقهای پیشین به جای واژه مطلقه از عامه استفاده می‌کردند، زیرا در برابر این شمول و

مقدمه

۱- بیان موضوع

در این مقاله که به موضوع گستره‌ی ولایت در فقه و حقوق با تأکید بر کلام شیخ طوسی اختصاص داده شده است، روشن است که جایگاه ولایت فقیه در نظام سیاسی اسلام از ارکان اساسی و مهم است، تاریخچه حضور معمول و ولایت او را از صدر اسلام با ولایت حضرت رسول (ص) در صدر حکومت اسلامی و بعد از آن حکومت و ولایت حضرت علی (ع) و امام حسن (ع) را داریم، و بعد از آن تا گستره ولایت فقهها را به طور متمرکز در مسند یک حکومت واحد اسلامی می‌توانیم در نظام جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار دهیم و تلاش این مقاله بر این مطالب متمرکز خواهد شد تا گستره ولایت فقهها را در قانون اساسی و همچنین در کلام فقه سیاسی شیخ طوسی مورد بررسی قرار دهد. در این مقاله بعد از بیان تعاریف و مفاهیم و ارائه پیشینه‌ای از موضوع به مبانی اختصاص داده شده و در نهایت نیز به بررسی موضع در فقه و حقوق با تأکید بر کلام شیخ طوسی پرداخته شده است.

اصل ولایت مطلقه فقیه که ادامه ولایت پیامبر اکرم (ص) و امامان معمول است یعنی اجرای تمام و همه احکام اسلام برای همه مردم اعم از مسلمان و غیر مسلمان، که بستگی به گسترده‌گی حکومت و نظام آن دارد و می‌تواند تمام دنیا را هم در برگیرد بنابراین با استناد به نصوص و ظهورات آیات و روایات و با تکیه بر براهین عقلی و همچنین با تأکید بر کلام شیخ طوسی نقش محوری ولایت فقیه را در تشکیل حکومت اسلامی و اجرای مستمر قوانین الهی در زمان غیبت کبرای امام عصر (عج)، به اثبات رسانیده است.

۲- تبیین مفاهیم

۱-۲- ولایت

ولایت، واژه‌ای عربی است که از کلمه «ولی» به معنای پیوستگی و قرابت گرفته شده و واژه‌های فراوانی از آن

امکان کامل بوده و عامل به دین و به دور از هوی و هوس باشد (حلبی، ۱۳۹۲: ۴۸۳).

۴-۲- ولایت فقیه

ولایت فقیه یعنی اداره‌ی امور جامعه در زمان غیبت امام عصر (عج) توسط فقهایی است که بر کتاب و سنت احاطه داشته و دارای شرایطی مانند عقل، علم، توانایی، عدالت و آگاهی به زمان، حافظ دین و مخالف هوای نفس باشند که ولایت فقیه به این معنا ضامن اجرای قوانین اسلام است (حلی، ۱۴۱۳: ۵۷۴).

۵-۲- قانون

قانون که جمع آن قوانین است اصل و اساس، مقیاس هر چیزی، دستگاهی از موسیقی، مجموعه‌ای از مقررات و دستورات که در روابط مردم اعم از حقیقی و حقوقی و یا مالی است که تهیه و تدوین شده است و انواع بسیاری دارد که مهمترین آنها، قانون اساسی، قانون تجارت، قانون جزا و کیفر، قانون مدنی و ... می‌باشد (تفتازانی، بی‌تا: ۲۳۷؛ معین، ذیل کلمه).

۶-۲- قانون اساسی

قانون اساسی مجموعه مقررات و اصول کلی است که شکل و محتوای حکومت را ترسیم نموده ساختار حاکمیت و مرزهای بین اقتدارات و حوزه اختیارات سه قوه (مقننه، مجریه، قضائیه) را تعیین می‌کند؛ همچنان که حقوق و آزادی‌های افراد و گروه‌های جامعه را در قبال دولت مشخص می‌نماید. این که شکل حکومت جمهوری است یا سلطنتی، پارلمان از یک مجلس تشکیل شود یا دو مجلس و این که وضع قانون به چه ترتیب صورت گیرد یا این که در نظام جمهوری رئیس جمهور بر اساس رأی مستقیم ملت انتخاب گردد یا با رأی نمایندگان و بالآخره این که تفکیک قوا نسبی است یا مطلق و مسائلی از این قبیل در اصول قانون اساسی مطرح می‌گردد. قانون اساسی هر کشور نمادی از هویت فرهنگی مردم آن است که تمام مناسبات، گرایش‌ها و دیدگاه‌های بومیان آن

مطلق بودن ولایت، ولایت‌های دیگری نیز وجود دارد که جهات خاصی از آن‌ها مورد نظر است، مانند ولایت پدر در امر ازدواج دختر یا ولایت پدر و جد در تصرفات مالی فرزندان نابالغ.

بنابراین، منظور از اطلاق، گسترش دامنه ولایت فقیه و مسؤولیت اجرایی ولی فقیه در همه احکام انتظامی اسلامی و همه ابعاد مصالح عمومی مردم است و مانند دیگر ولایت‌ها، یک بعدی نخواهد بود. از این‌رو، مطلقه در برابر مقیده‌ای آمده است که اختیارات ولی فقیه را به موارد خاصی همچون امور حسیبه محدود می‌کردند. در نتیجه، مطلق بودن ولایت یعنی اینکه فقیه، ملزم است همه احکام اسلام را تبیین و اجرا کند؛ زیرا چون هیچ حکمی از احکام الهی در عصر غیبت قابل تعطیل شدن نیست؛ بر اساس قاعده اهم و مهم، برای تزامن احکام چاره‌ای بیندیشید؛ برخلاف حکومت‌های مطلقه، اطلاق در ولایت فقیه محدود به موازین اسلامی و رعایت عدالت و تقوی برای اداره جامعه اسلامی است. بنابراین، ولایت فقیه در چارچوب قوانین الهی اعم از فرعی، ثانوی و حکومتی را ولایت مطلقه فقیه می‌نامند (کعبی، ۱۳۸۰: ۶۱).

۳-۲- فقیه

این واژه از ریشه‌ی فقه است و در اصل برابر با فهم و یا علم به شیء و فهم آن است و فقیه به معنای عالم می‌باشد (جوادی آملی: ۱۳۷۹، ۱۳۷۹: ۱۲۹). و برخی دیگر رسیدن به علم غایب به وسیله‌ی علم مشهود و حاضر می‌دانند که اخص از علم است (جوهری، ۱۴۰۴: ۱۷۹).

«فقیه» در اصطلاح ولایت‌فقیه یعنی مجتهد جامع الشرایط که دارای سه ویژگی اجتهاد مطلق، عدالت مطلق و قدرت مدیریت و استعداد رهبری باشد نه هر کس که درس فقه خوانده است. در واقع اجتهاد مطلق به این معنی که بر همه ابعاد دین اعم از اصول و فروع، عبادات و عقوده، احکام و ایقاعات و سیاست اسلامی آگاه باشد و حائز عدالت مطلق باشد یعنی علاوه بر عقل نظری در عقل عملی نیز در حد

اقامه‌ی حدود پرداخته است. ایشان در این باب پس از آنکه اقامه‌ی حدود را بر عهده‌ی سلطان اسلام و منصوب از سوی خدا، یعنی ائمه‌ی هدی (ع) می‌داند، پس از ایشان امر اجرای حدود را تفویض شده از سوی معصومین (ع) به فقهای شیعه دانسته‌اند که در صورت امکان باید اجرای حد کرده و به مواردی چون قطع دست سارق، تازیانه زدن بر زانی و قتل قاتل اقدام نماید و این کار را بر امیر و حاکم شیعه واجب و لازم می‌داند. امر دیگری که به عقیده‌ی ایشان به فقهاء و اذار شده، امر قضا و حکم کردن بین مؤمنین بر اساس شرع و صلح برقرار کردن بین آنها است. همچنین شیخ مفید در بحث وصیت می‌گویند: «اگر وصی بمیرد، در نبود سلطان عادل، فقهاء عادل شیعه که صاحب عقل و نظر و فضل هستند، تمام آنچه را سلطان اسلام (امام معصوم) سرپرستی می‌کنند، به عهده دارند» (فراهیدی، ۱۳۶۷: ۶۳۱).

۱- نظریه فقهی ولایت فقیه در اندیشه سید مرتضی
احدی از فقهاء «امامت» را «ریاست» و «فرض الطاعه بودن» و «امر و نهی نافذ داشتن» تعریف می‌کند. وی، معتقد است که بدون نفوذ امر و نهی و فرض الطاعه بودن، رسیدن به مصالح موجب امامت و ریاست، غیر ممکن است. او، ضرورت حکومت و ریاست در جامعه را ضرورتی عقلانی می‌داند و می‌گوید با قطع نظر از اجرا و تنفیذ احکام دینی و اقامه حدود شرعی، حتی در جوامع بی‌اعتقاد به دین نیز ضرورت حکومت، اجتناب ناپذیر است. قدرت حکومت، قدرتی برتر است. با بیانی که، در ضرورت ریاست اقامه می‌کند، نشان می‌دهد که امامت و ریاست، امری مستمر است و قابل تعطیل نیست. ریاست را لطف می‌داند و با برهان عقلی، ضرورت آن را به اثبات می‌رساند (فراهیدی، ۱۳۶۷: ۶۳۱).

سیدمرتضی در کتاب *جمال العلم و العمل* به عنوان مجموعه‌ای مختصر از عقاید و احکام عملی فقهی، در مسأله جمع‌آوری زکات، به ولایت فقیه اشاره می‌کند.

سرزمین را نمودار می‌سازد. اهمیت آن موقعی فزونی پیدا می‌کند که آحاد جامعه و نیز نهادهای مردمی و دولتی سخت بر آن پای بفشارند و از حدود آن فراتر نروند. قانون اساسی هر کشور، حدود و ثغور فعالیت‌ها و تحرکات و حتی اعترافات و انتقادهای قابل طرح در مقابل حاکمیت و دیگر اشخاص حقوقی و حقیقی را معین می‌کند (عالی‌خانی، ۱۳۷۳: ۲۶) – (۱۴).

۳- روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله به صورت توصیفی- تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد.

بحث و نظر

۱- مروری بر اندیشه ولایت فقیه در فقه شیعه و فقهاء هم
عصر شیخ طوسی

از عصر نبی اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) به گونه‌ای فقه و فقاهاست آغاز شده و علماء و دانشمندان اسلامی در این زمینه گام برداشته‌اند. پیامبر اکرم (ص) نمایندگانی را در عصر خویش که آگاهتر به مسائل دینی و قرآنی بودند برای بیان احکام و آشنا کردن مردم با اسلام و قرآن کریم به میان طوائف و اقوام دیگر می‌فرستادند، همانند مأموریت جعفرین ایطالب به مدینه و اعزام مصعب بن عمری به حبشه.

بنابر تصریح قرآن کریم وجود علماء ضرورت داشته است و با آغاز غیبت کبری، این رسالت علماء و فقهاء سنگین‌تر شده است. زیرا در عصر قبل از غیبت که عصر حضور ائمه اطهار بود، علماء به علت حضور ائمه تحت الشعاع بودند و مردم هم حتی‌المقدور مشکلات خود را با ائمه اطهار در میان می‌گذاشتند اما پس از غیبت کبری تمامی مسؤولیت دینی به عهده علماء و فقهاء شیعه افتاد (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۸۰).

۱- نظریه فقهی ولایت فقیه در اندیشه شیخ مفید
شیخ مفید (ره) در کتاب *گرانقدر المقنعه* به بیان نظرات فقهی و بحث ولایت فقیه را در باب امر به معروف و نهی از منکر و

گفته‌ی محدث نوری جانشین شیخ طوسی در منطقه‌ی شام بوده است. کتاب وزین، *الکافی فی الفقه*، مشهورترین اثر فقهی ابی الصلاح می‌باشد.

ایشان در این کتاب در مبحث قضاe ضمن اشاره به این نکته که در زمان حضور معمصوم تنفیذ احکام بر عهده ائمه اطهار (ع) و کسانی که از سوی آنها تعیین شده‌اند، می‌باشد، این وظیفه را در صورت عدم حضور معمصوم، مختص شیعیانی می‌داند که دارای شروط نائب امام باشند. این شروط عبارتند از: «علم به حکم حق، عقل، حلم، عدالت، ورع و قدرت بر قضاe».
وی بر کسی که این شرایط را داراست واجب می‌داند در هنگام رجوع مردم، اقدام به قضاوت نمایند و از این تکلیف روی بر نگردانند؛ چراکه او نایب از سوی ولی امر (ع) می‌باشد. ضمناً مردم را نیز مکلف به رجوع به او در حکم می‌داند و رد کننده‌ی حکم حاکم را همانند رد کننده‌ی حکم خدا و رسول می‌داند (حلی، ۱۴۲۲: ۷۰۲).

۱-۵- نظریه فقهی ولایت فقیه در اندیشه ابن براج
عبدالعزیز بن البراج الطرابلیسی یکی دیگر از علمای قرن پنجم است که در کتاب فقهیش بنام *المذهب مانند سایرین* در باب مکاسب و امر به معروف و نهی از منکر «مأذون بودن» ولی امر از سوی معمصومین (ع) را یادآور می‌شود.

وی در باب خدمت به سلطان و اخذ جوازش می‌نویسد: «اما سلطان عامل اسلام مستحب است خدمت به او و چه بسا واجب باشد بر مکلف. اگر چنین سلطانی در امری و حکمی به کسی ولایت دهد، واجب است اطاعت‌ش و ترک مخالفت و جایز است قبول جوازش و تصرف در جمیع آنها.» (مختاری، ۱۳۷۷: ۲۴۶).

۲- نظریه فقهی ولایت فقیه در اندیشه شیخ طوسی
یکی از مواردی که فقیهان در عصر غیبت متولی آن هستند ولایت بر قضا است. شیخ این منصب را تنها در انحصار سلطان حق و عدل یعنی امام می‌داند و جز امام یا افرادی که

ایشان، در فصل مربوط به «کیفیت اخراج زکات»، در دو حالت حضور و غیبت، به بررسی این موضوع می‌پردازد. در حالت نخست، می‌گوید که اگر دسترسی به امام(ع) و خلفای نایب ایشان، ممکن است، افضل و اولی، تحويل زکات اموال به ایشان است، اما برای حالت دوم که دسترسی به امام و جانشینان وی میسر نیست، می‌گوید «فقد روی إخراجها إلى الفقهاء المأمونين لبعدها في مواضعها وإذا توأى إخراجها عند فقد الإمام و النائبين عنه، من وجب عليه، جاز.» (فراهیدی، ۱۳۶۷: ۶۳۱)

«جمع‌آوری زکات به دست فقیه، فتوای است که مدرکش را روایت می‌داند.» چون فقیهان، موارد مصرف زکات را بهتر می‌دانند، زکات را به ایشان باید رسانید. سید، متن این حدیث و راوی آن را معرفی نمی‌کند و تنها مدلول و محتوای آن را نقل می‌کند (شیخ مفید، ۱۳۶۸: ۲۵۲).

۱-۳- نظریه فقهی ولایت فقیه در اندیشه سلار دیلمی

حمزة بن عبدالعزیز، ابوعلی دیلمی، از اهالی دیلمان گیلان است. این فقیه بزرگ ایرانی، از شاگردان ممتاز شیخ مفید و سید مرتضی است. سلار دیلمی، در تنفیذ وصیت، فتوایش آن است که در صورت وفات وصی، ناظر در امور مسلمانان، به تنفیذ وصیت می‌پردازد. اگر ناظر امور مسلمانان، متمكن از تنفیذ نیست، فقیهان متمكن از اجرا، اقدام به تنفیذ می‌کنند (سلار دیلمی، ۱۳۹۲: ۲۰۷).

به پیروی از نظریه مشهور، اجماع فقیهان شیعه در «ولایت قضا» علاوه برآن که عالمیت به احکام را شرط لازم و ضروری برای حاکم می‌داند صریحاً می‌گویند که ائمه معمصوم (ع) اقامه احکام در میان مردم را به فقیهان شیعه تفویض کرده‌اند.

۱-۴- نظریه فقهی ولایت فقیه در اندیشه ابی صلاح حلبي

تقی بن نجم الدین بن عبید الله الحلبي معروف به ابی الصلاح حلبي از معاصران شیخ مفید و از شاگردان سید مرتضی و شیخ طوسی می‌باشد. وی جانشین سید مرتضی در حلب و به

تصدی قضاوت بر کسانی جایز است که به تمامی موارد مسؤولیت خویش آشنایی و آگاهی داشته باشند. چنان که گفته شد، شیخ طوسی نیز مانند بسیاری از فقهاء شیعه معتقد است امامان شیعه در عصر غیبت، این منصب را به فقیهان شیعه تفویض نموده‌اند: «و قد فوضوا ذلک الى فقهاء شیعهم فی حال لا یتمکنون فیه من تولیه بنفسهم». (شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۳۰۱)

دلیل و مستند وی در واگذاری این مسؤولیت به فقهاء، روایاتی است که ائمه (ع) در آنها مردم را در نزاع‌ها و محاکمات به علماء و فقهاء ارجاع داده اند و فرموده‌اند: «اذا كان بين احدهم و بين غيره خصومة، فلينظر الى من روى احاديثنا و علم احكامنا، فليتحاكمما اليه». هرگاه بین شما و دیگری نزاعی درگرفت، باید در حل آن دعوا به فردی مراجعه کنید که احادیث ما را روایت می‌کند و به احکام و معارف ما آگاهی دارد. وی همچنین درباره‌ی صفت دوم قاضی می‌گوید: «و من شرط القاضی ان يكون عدلاً لا يجوز ان يكون فاسقاً و به قال جميع الفقهاء». (شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۲۱۲)

به نظر شیخ طوسی، وظیفه‌ی تبلیغ و تبیین احکام و حفاظت از دین و شریعت یکی از ولایت‌هایی است که بعد از پیامبر (ص) و ائمه (ع) بر عهده‌ی فقهاء جامع الشرایط قرار داده شده است. پیامبر اسلام با هدف تبیین احکام الهی و تبلیغ آنها و حفاظت از کیان دین و شریعت اقدام به تشکیل حکومت اسلامی نمود و بعد از پیامبر (ص) این وظیفه بر عهده‌ی امام معصوم - که جانشین پیامبر شده به سخن وی مانند سخن پیامبر حجیت دارد - قرار گرفته است. می‌توان گفت که با توجه به شرایط ویژه‌ی عصر شیخ طوسی و در نظر گرفتن شرایط اجتماعی آن روز و اوضاع سختی که حاکم بر شیعه بود، شیخ توانسته است در بسیاری از آثارش به موارد مختلفی از ولایت فقهاء در عصر غیبت پردازد و آنان را در اجرای حدود الهی و دخالت در امور جامعه و مصالح مسلمین صاحب حق بداند.

از جانب ایشان اجازه‌ی قضاوت و دادرسی دارند سایرین مجاز به اقدام در این منصب نخواهند بود:

«اما الحكم بين الناس والقضاء بين المختلفين، فلا يجوز ايضاً إلا من اذن له سلطان الحق في ذلك. وقد فرضاً ذلك الى فقهاء شيعتهم في حال لا يتمكنون فيه من توليه بنفسهم، فمن تمكّن من انفاذ حكم او اصلاح بين الناس او فصل بين المختلفين فليفعل ذلك و له بذلك الاجر والثواب ما لم يخف في ذلك على نفسه ولا على احد من اهل الايمان و يأمن الضرر فيه فان خاف شيئاً من ذلك لم يجز له التعرض لذلك على حال.» يعني: اما حکم کردن در بین مردم و داوری بین اختلاف کنندگان تنها برای کسانی جایز است که از جانب سلطان حق دارای اذن باشند و ایشان (سلطان حق) در مواردی که خودشان امکان تولیت این امور را ندارند، به فقیهان شیعه اجازه‌ی تصدی آن را داده اند. پس هر یک از فقهاء این امکان را داشته باشد که به اجرای حکمی پردازد یا اصلاحی در بین مردم ایجاد نماید و یا نزاعی را فیصله دهد باید به این امر اقدام کند که مستوجب پاداش و ثواب نیز خواهد بود؛ البته مادامی که بر خودش و بر مؤمن دیگری، خوفی از اضرار دشمنان نداشته باشد که در صورت خوف، بر او جایز نیست متعرض هیچ یک از این افعال گردد. (شیخ طوسی، ۱۴۱۷: ۳۰۱-۳۰۲).

فقیه شیعه که از صدور حکم و داوری بین مردم ممکن باشد؛ یعنی مادامی که ضرری متوجه او یا مؤمن دیگری نیست باید متصدی ولایت مذبور گردد و به فصل خصوصی پردازد. وی می‌گوید: امام موظف است در هر منطقه‌ای قاضی و حاکمی بگمارد تا عهده‌دار حل و فصل اختلافات گردد. (شیخ طوسی، ۱۳۸۳: ۸/ ۸۵).

البته این سخن وی به عصر حضور امام مربوط می‌شود. وی در تبیین صفات یکی قاضی به دو صفت مهم اشاره می‌کند: علم به احکام الهی و عدالت: «لا يجوز ان يتولى القضايا من كان عارفاً بجميع ما ولى و لا يجوز ان يشذ عن هذه الشيء من ذلك ولا يجوز ان يقلد غيره، ثم يقضى به».

دهند، ولی چنین نشد؛ زیرا برخی معتقد بودند باید اختیارات، میان رهبری و رئیس جمهور تقسیم شود تا همه اختیارات در یک شخص متمرکز نشود. گروهی دیگر عقیده داشتند موارد نام برد در اصل ۱۱۰ بیانگر بخشی از اختیارات ولی فقیه است و در اصل ۱۰۷ آمده است: «... رهبر، ولايت امر و همه مسؤولیت‌های ناشی از آن را بر عهده دارد....» این عبارت نشان می‌دهد ولی فقیه اختیارات گسترده‌ای دارد و آنچه در اصل ۱۱۰ آمده، برای جدا کردن مسؤولیت‌های مدیران اجرایی کشور است. در قانون اساسی به ولايت مطلقه فقیه تصریح نشد. بدین دلیل، امام خمینی آنچه را که در قانون اساسی درباره اختیارات ولی فقیه آمده بود، کافی نمی‌دانست و بیان کردند آنچه در قانون اساسی درباره وظایف و اختیارات رهبری آمده، اندکی از شوون ولی فقیه است. (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۱۳۸۱)

(۱۳۳)

۲-۳- دیدگاه امام خمینی در مورد ولايت فقیه در قانون اساسی

از نظر امام، همه فقهاء در عصر غیبت به نصب عام از سوی امام معصوم به ولايت گمارده شده‌اند. اگر یکی از فقهاء دارای شرایط، حکومت تشکیل داد و مردم ولايت او را پذیرفته، ولايت اوی از قوه به بالفعل در می‌آيد و در همه اموری که امام معصوم ولايت دارد به جز مواردی که ویژه امام است، ولی فقیه نیز نسبت به مصلحت جامعه و امت اسلامی ولايت دارد (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۴۷۹).

۳- اختیارات رهبری طبق قانون اساسی

در خصوص اختیارات رهبری، نظر کمیسیون رهبری در شورای بازنگری قانون اساسی بر آن قرار گرفت که به موارد اختیارات اصل ۱۱۰ قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ بندهای جامع، فرآگیر و اختیارات کلیدی افزوده شود که عبارتند از: - تعیین سیاست‌های کلی نظام پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام و نظارت بر حسن اجرای امور؛ (بند اول و دوم اصل ۱۱۰) و حل معضلات نظام که از طرق عادی

۳- ولايت فقیه در قانون اساسی

۱-۳- روند تصویب اصل ولايت فقیه در قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸

پس از رفراندم ۱۲ فروردین سال ۱۳۵۸ و فراهم شدن زمینه‌های عملی حاکمیت اسلام، تدوین قانون بر اساس اسلام و بر مدار بنیادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ضروری بود. با پیگیری امام خمینی پیش‌نویس قانون اساسی در شورای طرح‌های انقلاب تهیه شد و سپس مجلس خبرگان به منظور بررسی و تصویب نهایی قانون اساسی آغاز به کار کرد. دولت وقت و شورای انقلاب، آین نامه‌ای برای بررسی نهایی پیش‌نویس قانون اساسی و تصویب قوانین تهیه کرده بودند که در آن آمده بود: «تخلف از چارچوب اصول پیش‌نویس، بسته به اجازه شورای انقلاب است» مجلس خبرگان این مورد را نپذیرفت؛ زیرا نخستین کاستی مهمی که خبرگان با آن روبرو شد و در پیش‌نویس بدان نپرداخته بودند، اصل ولايت فقیه بود؛ اصلی که اساس انقلاب بهشمار می‌آید و مشروعیت نهضت اسلامی به آن بستگی دارد.

پس از آنکه این اصل در دستور کار مجلس قرار گرفت، بحث‌های گسترده‌ای در کمیسیون‌های مختلف آن انجام شد. و پس از سخنرانی موافقان و مخالفان و نقد و بررسی طرح پیشنهادی، سرانجام در تاریخ ۱۳۵۸/۶/۲۱ اصل پنجم قانون اساسی (اصل ولايت فقیه) به تصویب مجلس خبرگان رسید. در برابر تصویب اصل ولايت فقیه، موضع گیری‌های متفاوتی صورت گرفت و حتی طرح انحلال مجلس خبرگان قانون اساسی مطرح شد، ولی موضع گیری بجا و حساب شده امام و اعضای روحانی و انقلابی شورای انقلاب، از این خیانت بزرگ جلوگیری کرد. مبنای مشروعیت اصل پنجم در مجلس خبرگان، نظریه نصب بود و درباره اختیارات رهبری، بیشتر خبرگان اصل ۱۱۰ را مورد استناد می‌دانستند، و با استفاده از نظریه نصب می‌توانستند حوزه اختیارات ولی فقیه را افزایش

غیرمستقیم مقام رهبری هستند، نظارت رهبری بر قوه مقننه به وسیله شورای نگهبان هم در مرحله تشکیل نهاد اصلی قوه مقننه، یعنی مجلس شورای اسلامی و هم بر مرحله اعمال قوه مقننه، یعنی قانون گذاری در مجلس شورای اسلامی اعمال می‌شود.

- طبق(اصل ۹۱) رئیس قوه قضائیه نیز از سوی رهبر منصوب می‌شود صدور فرمان همه‌پرسی نیز از وظایف و اختیارات رهبری در حوزه قوه مقننه است. (بند ۳ اصل ۱۱۰) ۵۹ دراین باره برخی صاحب نظران معتقدند هرچند اصل قانون اساسی درخواست همه‌پرسی را در گرو تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس می‌داند، ولی نقش مجلس شورای اسلامی فقط یک نقش کارشناسی است و رهبری با توجه به تشخیص مجلس و تصویب نمایندگان در صورت لزوم، فرمان همه‌پرسی را صادر خواهد کرد. (شعبانی، ۱۳۹۳: ۱۴۳)

برخی با توجه به آشکار نبودن نوع همه‌پرسی در اصل ۵۹ و نیز ماده ۳۶ قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸/۴/۴ که پیشنهاد همه‌پرسی را از سوی رئیس جمهور یا یک صد نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تصویب حداقل دو سوم نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌داند، می‌نویسند: «با توجه به اینکه رهبر فرمان همه‌پرسی را صادر می‌نماید، با موضوع مذکور در مقررات فوق معارض می‌باشد و در این صورت به نظر می‌رسد که اختیار رهبر شامل همه‌پرسی تقینی نباشد.» (هاشمی، ۱۳۹۴: ۷۱)

هرچند از بدو تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران تاکنون، همه‌پرسی تقینی صورت نگرفته است، ولی رهبری از این جهت نیز بر شیوه قانون گذاری به صورت مستقیم نظارت دارد. طبق اصل‌های ۶۰ و ۱۱۳ نظارت بر عملکرد قوه مجریه به دو روش جزو اختیارات مقام ولایت فقیه است. (بهنیافر، ۱۳۸۷: ۴۵) مطابق اصل ۱۱۰ قانون اساسی در بخش لشگری فرماندهی کل نیروهای مسلح، اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها، نصب و عزل و پذیرش استعفای رئیس ستاد مشترک،

قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام (بند ۸ اصل ۱۱۰).

- دوم نیز متناسب با همان وصف مطلقه است که در بازنگری به اصل ۵۷ افزوده شد. به عبارت دیگر، از اختیارات گسترده‌ای همچون تعیین سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر حسن اجرای آن، فرماندهی کل نیروهای مسلح، اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها، عزل و نصب رئیس قوه قضائیه و رئیس صدا و سیما، حل اختلاف و ایجاد هماهنگی بین قوای سه گانه و نیز حل معضلات نظام که از راه عادی قابل حل نیست، به ولایت مطلقه تعبیر شده است و این همان تفسیری است که معمولاً از آن به ولایت مطلقه فقیه در قانون اساسی یاد می‌شود، و همچنین طبق قانون اساسی، «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.»

- مهم‌ترین وظیفه‌ای که ولی فقیه بر عهده دارد ضمانت اجرای قوانین اسلامی است. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی در فرازی با عنوان «ولایت فقیه عادل» آمده است: «براساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع الشرایطی را که از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می‌شود، آماده می‌کند تا ضمن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشد.»

- قوه مقننه از دو نهاد به هم پیوسته، یعنی مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تشکیل شده که اختیارات رهبر در این قوه منحصر به شورای نگهبان است؛ به این معنا که نصب و عزل و پذیرش استعفای فقهای شورای مزبور با رهبر است (قسمت الف از بند ۶ اصل ۱۱۰) و شش نفر حقوق‌دان این شورا به وسیله مجلس از میان حقوق‌دانان متخصصی که رئیس قوه قضائیه به مجلس پیشنهاد می‌کند، انتخاب می‌شوند. نهاد شورای نگهبان که نیمی از اعضاش (فقها) منتخب مستقیم و نیمی دیگر (حقوق‌دانان) منتخب

ضرورت اجرای احکام اسلامی می‌داند. (خمینی، ۱۳۸۳: ۲۶) و در قانون اساسی، رهبری حکومت اسلامی ایران بر عهده فقیه جامع‌الشرایطی است که از سوی مردم به عنوان رهبر شناخته می‌شود. رهبر مسؤول و ضامن عدم گمراحتی سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود است و برای دستیابی به این هدف اعمال ناظارت مقام رهبری در هریک از سه قوه به شکل‌های مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌گیرد، البته هریک از قوا به طور مستقل بر امور محول شده، اعمال نفوذ دارند و باید پاسخگوی عملکرد خود باشند.

نتیجه‌گیری

فقه پویای شیعه از زمان ائمه اطهار (ع) تا زمان نواب خاص و اینک نواب عام امام زمان (عج) دوران شکوفایی و پویایی را پیموده است و این فقه توانسته است در سایه کلام خدا و سنت رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) پاسخگوی نیاز بشر باشد. فقه سیاسی شیعه نیز در ازمنه مختلف در عرصه سیاسی جامعه نقش مؤثری را داشته است. از کتب شیخ مفید و سیدمرتضی و شیخ طوسی در مورد نقش ولایت فقها تا محاجات علامه حلی، در فتاوی میرزا شیرازی و قیام میرزا کوچک جنگلی و قیام امام خمینی (ره) همگی نشان دهنده نقش مؤثر و تأثیرگذار فقهای شیعه در عرصه فقه سیاسی اجتماع است. با توجه به شرایط مختلف اجتماعی علمای تشیع اختیارات ویژه‌ای را برای ولایت فقها معرفی کرده‌اند و به طور مشخص شیخ طوسی ولایت فقها را علاوه بر امور حسنه، بر اموری چون دریافت خمس و زکات و امامت نماز عیدین و جمعه گسترش داده است. شیخ توانسته است در بسیاری از آثارش به موارد مختلفی از ولایت فقها در عصر غیبت پپردازد و آنان را در اجرای حدود الهی و دخالت در امور جامعه و مصالح مسلمین صاحب حق بداند.

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی، تأیید مصوبات شورای عالی امنیت ملی و داشتن دو نماینده در شورای نامبرده بر عهده مقام رهبری است. بنابراین، نیروهای مسلح به عنوان بخشی از قوه مجریه، در ارتباط با رهبری و ولایت مطلقه فقیه است و اصل وحدت فرماندهی در همه رده‌های آن حاکم است (بهنیافر، ۱۳۸۷: ۴۷).

۴- تطبیق نظریه ولایت فقیه در کلام شیخ طوسی و قانون اساسی

به نظر شیخ طوسی فقهای شیعه در عصر غیبت از جانب امام اختیاراتی در زمینه‌های افتاء، قضاء و اجرای احکام دارند و آحاد فقها به طور خاص نیابت را پذیرفته‌اند، زیرا در عصر آن امام معصوم حضور نداشته‌اند؛ پس به طور عام و کلی جانشین امام شده‌اند.

مناصب اصلی حاکم در حکومت از منظر شیخ الطائفه، افنا (تبیین احکام الهی)؛ قضا (قضايا و صدور حکم) و اجرا (کارگزاری سیاست) بوده و فقهای شیعه از جانب امامان معصوم، نه تنها این مناصب را پذیرا شده بلکه در انحصار آنان قرار گرفته است و از آن‌جا که در مناطق مختلف جامعه اسلامی نیاز به قاضی وجود دارد، کارگزاری سیاست، مجموعه‌ای از اختیارات فرعی است که اداره امور حکومت بدان‌ها نیاز دارد و شامل نصب حاکم و امیر شایسته در مناطق مختلف، تعیین قاضی بر نقاط تحت قلمرو، اجرای احکام و حدود الهی، جهاد با دشمنان و دفاع از شهروندان، ایجاد ساختار مالی، اعمال ولایت بر افراد بدون سرپرست، مقابله با بحران‌های اقتصادی و تقویت بازار اسلامی و برگزاری اجتماعات سیاسی، عبادی نظیر نماز جمعه می‌باشد.

امام خمینی (ره) در بحث «ولایت فقیه»، میان ضرورت اجرای احکام اسلامی و ضرورت تشکیل حکومت اسلامی ارتباط منطقی برقرار می‌کند. یعنی ضرورت دوم را فرع بر

آنچه در نظام ولایت فقیه به عنوان یک نظام منحصر به فرد در سیستم‌های حقوقی دنیا مطرح است، استقلال قوا نسبت به یکدیگر است، اما این قوا نسبت به رهبر دارای استقلال نیستند؛ زیرا رهبر به عنوان عالی‌ترین مقام (اصل ۱۱۳) و از جهت ولایت بر قوا، (اصل ۵۷) بر آن‌ها ناظارت دارد. بنابراین، اصل ۵۷ قانون اساسی، نظام تفکیک قوای مقننه، مجریه و قضاییه را به صورت نسبی و با شیوه خاص خویش پذیرفته است، منظور از ولایت مطلقه فقیه، در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهبری به عنوان رئیس کشور بر همه شؤون، ناظارت و اشراف همه جانبه تشريعی، قضایی و اجرایی دارد و تمام قوا و نهادهای دیگر حکومت به نوعی مشروعیت خود را از این نهاد می‌گیرند و ولایت مطلقه فقیه را نقطه اتصال و پیوند قوای حاکم می‌داند.

ملاحظات اخلاقی: در ابتدا تا انتهای این تحقیق اصول صداقت و امانتداری رعایت گردیده است

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد تعارض منافع بوده است.

سهم نویسندها: نگارش متن توسط نویسندهان و ناظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسؤول صورت گرفت.

تشکر و قدردانی: از کلیه‌ی کسانی که در تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تامین کننده مالی بوده می‌باشد.

منابع و مأخذ

- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۳). *تلخیص الشافی*. قم: محبین.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). *المبسوط*. تهران: المکتبة المرتضویة.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷). *الخلاف*. جلد ششم، قم: انتشارات اسلامی.
- عالی خانی، محمد (۱۳۷۳). *حقوق اساسی*. تهران: دستان.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۳۶۷). *العین*. چاپ دوم، بی‌جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کافش الغطا، جعفر (۱۳۸۸). *کشف الغطا عن مبهمات الشریعه الغراء*. به تحقیق عباس تبریزیان، قم: بوستان کتاب. قم.
- کعبی، عباس (۱۳۸۰). بررسی تطبیقی مفهوم ولایت مطلقه فقیه. قم: انتشارات ظفر.
- مختاری، محمد حسین و مرادی، علی اصغر (۱۳۷۷). *فرهنگ اصطلاحات فقهی*. تهران: انجمن قلم ایران.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). *مجموعه آثار*. تهران: انتشارات صدرا.
- معین، محمد (۱۳۶۸). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: انتشارات زرین.
- مفید، محمدبن محمد (۱۳۶۸). *المقنعه*. قم: دفترانتشارات اسلامی.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۶). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر میزان.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۹). *لسان العرب*. چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث عربی.
- بهنیافر، احمد رضا (۱۳۹۶). «مفهوم ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه پژوهشی انقلاب اسلامی*، ۴(۱۲): ۴۵-۷۵.
- تقیازانی، مسعود بن عمر (۱۳۷۰). *مختصر المعانی*. قم: دارالفکر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). *ولایت فقیه ولایت فقاهت و عدالت*. چاپ دوم، قم: مرکز نشر اسراء قم.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۹۹). *الصحاح تاج اللغه وصحاح العربیه*. بیروت: دارالعلم للملايين.
- حلی، ابن الصلاح (۱۳۶۲). *الکافی فی الفقہ*. اصفهان: نشر مکتبیه الامام علی (علیه السلام).
- حلی، حسن بن یوسف ابن مطهر اسدی (۱۴۱۳). *مختلف الشیعه*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۱). *ولایت فقیه*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۳). *صحیفه نور*. تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۳۶۲). *مفردات فی غریب القرآن*. چاپ دوم، بی‌جا: کتابفروشی مرتضوی.
- سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز (۱۴۱۴). *المراسيم العلوية فی الاحکام النبویة*. مصحح محسن حسینی امینی، قم: مجمع جهانی اهل بیت علیه السلام.
- شعبانی، قاسم (۱۳۷۳). *حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات اطلاعات.

References

- Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram (1999). *Arabic Language*. Third Edition, Beirut: Arabic Heritage Revival Center. (Arabic)
- Behniafar, Ahmad Reza (2017). "The Concept of Velayat-e-Faqih in the Constitution of the Islamic Republic of Iran". *Islamic Revolution Research Quarterly*, 12 (4): 75-45. (Persian)
- Taftazani, Massoud Ibn Omar (1991). *Summary of Meanings*. Qom: Dar al-Fikr. (Arabic)
- Javadi Amoli, Abdollah (2000). *Velayat-e-Faqih and Justice*. Second Edition, Qom: Qom Prisoners Publishing Center. (Persian)
- Johari, Ismail bin Hamad (2020). *Sehah*. Beirut: Dar Al-Alam. (Arabic)
- Halabi, Ibn al-Salah (1983). *Sufficient in Jurisprudence*. Isfahan: Publication of Imam Ali. (Arabic)
- Helli, Hassan Ibn Yusuf Ibn Motahar Asadi (1993). *Mokhtalaf Al-Shia*. Qom: Islamic Publishing Institute. (Arabic)
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (1962). *Velayete Faqih*. Tehran: Imam Khomeini Publishing House. (Persian)
- Khomeini, Seyyid Ruhollah (1964). *Sahife Noor*. Tehran: Center for Cultural Documents of the Islamic Revolution. (Persian)
- Ragheb Isfahani, Abu al-Qasim Hussein ibn Muhammad (1943). *Mofradat Qur'an*. Second Edition, NP: Mortazavi Bookstore. (Arabic)
- Salar Dailami, Hamza ibn Abdul Aziz (1994). *Marasim*. Edited by Mohsen Hosseini Amini, Qom: World Assembly of Ahl al-Bayt. (Arabic)
- Shabani, Qasim (1954). *Fundamental Rights and Structure of the Government of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Information Publications. (Persian)
- Sheikh Tusi, Muhammad ibn Hassan (1964). *Talkhis Al-Shafi*. Qom: Lovers. (Arabic)
- Sheikh Tusi, Muhammad ibn Hassan (1994). *Almabsoot*. Tehran: Al-Mortazaviyah Library. (Arabic)
- Sheikh Tusi, Muhammad ibn Hassan (1997). *Al-Khalaf*. Volume 6, Qom: Islamic Publications. (Arabic)
- Ali Khani, Mohammad (1954). *Basic Rights*. Tehran: Dastan. (Persian)
- Farahidi, Khalil ibn Ahmad (1948). *Al-Ain*. Second Edition, NP: Islamic Culture Publishing Office. (Arabic)
- Kashif al-Ghatta ', Ja'far (1969). *Kashf Al-Gheta*. Research by Abbas Tabrizian, Qom: Qom Book Park. (Arabic)
- Kaabi, Abbas (1961). *A Comparative Study of the Concept of Velayat Faghīh*. Qom: Zafar Publications. (Persian)
- Mokhtari, Mohammad Hussein & Moradi, Ali Asghar (1958). *Dictionary of Jurisprudential Terms*. Tehran: Iranian Pen Association. (Arabic)
- Motahari, Morteza (1966). *Collection*. Tehran: Sadra Publications. (Persian)
- Moin, Mohammad (1949). *Persian Dictionary*. Tehran: Zarrin Publications. (Persian)
- Mufid, Muhammad ibn Muhammad (1949). *Almognāeh*. Qom: Islamic Publishing Offices. (Arabic)
- Hashemi, Seyed Mohammad (1967). *Constitutional Rights of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Mizan Publishing. (Persian)